

## مدارا در سیره رفتاری پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ و نقش آن در پیشبرد معنویت، اخلاق و انقلاب اسلامی

مریم افشارویگنی<sup>۱</sup>

### چکیده

موضوع «مدارا در سیره رفتاری پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ و نقش آن در پیشبرد معنویت، اخلاق و انقلاب اسلامی» از موضوعات مورد توجه اندیشمندان و عالمان دینی است. واکاوی این مساله به دلیل وجود رفتارهای ناشایست حاکمان دینی ضروری می‌باشد، چرا که شیوه حکومت داری پیامبر اسلام گونه‌ای متفاوت با آنچه سایر حاکمان در پیش گرفته‌اند است. محقق به شیوه توصیفی - تحلیلی با هدف کاربردی با تفحص در قرآن و سیره به این مهم رسید: آنچه در پیشبرد اهداف اسلام موثر است رفتار توأم با مدارا با مردم می‌باشد که در رفتار پیامبر اسلام نیز قابل مشاهده است، همانگونه که در رفتار رهبران انقلاب اسلامی قابل مشاهده است که در بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی به آن اشاره شده است. هر یک از مدارا و خشونت که مصادیقش صلح و جنگ است، در شرایطی جواز دارد که مصلحت ایجاب

۱. مسوول پژوهش حوزه علمیه کوثر استان البرز، دانش آموخته سطح دو حوزه علمیه کوثر استان البرز، کارشناسی ارشد تفسیر و علوم قرآن کریم (موسسه آموزش عالی اجتهاد قم)  
maryam.afshar483@gmail.com

کند، بدون مصلحت و منفعت در جامعه اسلامی هیچیک از دو عنوان جنگ و صلح جواز ندارد.

کلیدواژه‌ها: مدارا، سیره، رفتار، پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ، اخلاق و معنویت، گام دوم انقلاب.

## مقدمه

مدارا در همه روابط، چه تعامل دو فرد و چه رابطه خانوادگی و چه روابط مجتمع بزرگ انسانی، مهم ترین ضابطه در هماهنگی و تنظیم درست ارتباط و تعامل ها است و این امر مهم به صورت یک اصل اجتماعی در زندگی پیامبر اسلام قابل مشاهده است. همچنانکه امام خمینی سلام الله علیه به عنوان رهبر کبیر انقلاب معنویت و اخلاق را جامعه اسلامی نهادینه ساخت، البته این شیوه و رفتار امام خمینی متخذ از سیره و رفتار رسول اعظم است. مدارا در سیره اجتماعی حضرت محمد صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ نقش کلیدی و مبنایی داشته و مایه بقای روابط و مناسبات صحیح اجتماعی بوده است. برخوردهایی از سر ملایمت و به دور از درشتی و خشونت آن حضرت در عرصه جامعه و در معاشرت، سازنده ترین عنصر در اصطلاح جامعه و روابط و مناسبات اجتماعی بود. موضوع مدارا و سهولت در سیره رسول اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ در ابعاد گوناگون مورد توجه دانشمندان و عالمان دینی قرار گرفته است حتی اندیشمندان غربی نیز از این مساله چشم پوشی نکرده و گاه در لابه لای سخنان و نوشته ایشان این بحث نمود دارد و همین امر از اهمیت بررسی مساله حکایت دارد.

با بررسی در کتابها و مقالات و پایان نامه ها این نکته روشن شد که نوشته های در دسترس خوانندگان چندان به تبیین دقیق مساله نپرداخته و واژه مدارا را با رفق همسو قرار داده اند این در حالی است که واژه رفق اخص از واژه مدارا است و همین مساله نویسندگان را در بررسی مصادیق مدارا دستخوش اختلاف نظر کرده است و گاه ملاحظه می شود که مصادیق مورد نظر نویسندگان تنها مصادیق رفق را در سیره رسول اکرم شامل می شود در حالی که می بایست مصادیق مدارا را عام تر از مصادیق رفق مورد بررسی قرار داد.

آقای محمد محمدی اشتهاردی با تهیه و تنظیم کتاب آموزه های اخلاقی رفتاری امامان شیعه، گامی دیگر در ارائه روش زندگی بهتر برداشته است. این کتاب مجموعه سخنرانی های آقای محمد تقی عبدوس می باشد که به زبانی گویا و شیوا جهت استفاده عموم مردم، تالیف شده است. بخشی از این کتاب به رفتارهای اجتماعی ائمه و پیامبر

اختصاص داده شده است. حال در این مقاله به طور خاص به موضوع مدارا در سیره رفتاری رسول اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ پرداخته شده است.

مرتضی مطیعی دانش‌آموخته موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی در رساله پژوهشی خود با عنوان سیمای شخصیتی پیامبر موضوع سیمای اجتماعی حضرت را در یکی از فصول رساله بررسی کرده است. ایشان به مسائلی همچون؛ گونه‌های رفتاری پیامبر با خانواده، مؤمنان، مشرکان و کافران و اهل کتاب، دقت نظر داشته است ولی در این نوشتار به طور خاص به بررسی موضوع مدارا در رفتار پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ می‌پردازد.

لذا نگارنده‌ی اثر با بررسی در آیات و روایات و بررسی موشکافانه در مصادیق مدارا به دنبال پاسخ به این پرسش که «مدارا در سیره رفتاری پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ و نقش آن در پیشبرد معنویت، اخلاق و انقلاب اسلامی چیست؟» با تفحص در کتب سیره و تاریخ به تحلیل مساله به شیوه توصیفی - تحلیلی با روش کتابخانه‌ای و با هدف کاربردی پرداخته است.

#### معناشناسی واژه مدارا

مدارا در لغت به معنای ملاحظت، برخورد مودبانه‌ی همراه با احتیاط و رفتاری ملایم است. (طریحی، ۱۳۷۵، ۲: ۲۰۶) این واژه به معنای نرمی، ملایمت، مهربانی، تحمل و بردباری نیز آمده است. (دهخدا، ۱۳۵۲، ص ۸۵)

در معنای اصطلاحی مدارا آمده است: مدارا آن است که ناگواری از کسی به فردی برسد ولی آن را تحمل کند و به روی خود نیاورد. (نراقی، ۱۳۹۱، ۴: ۲۰۸)

هر چند مدارا در حوزه‌های مختلف سیاسی، اخلاقی، جامعه‌شناسی و روانشناسی مورد بحث قرار گرفته، اما مدارایی که مد نظر است به معنای تحمل عقاید رقیب در عین باورمندی و پای بندی به اصول خود و به مهربانی رفتار کردن است. طبیعی است که با این نگرش، بحث ما رنگ اخلاقی به خود می‌گیرد و با بحث‌هایی که با حوزه مسائل سیاسی مرتبط است تفاوت دارد. مدارای سیاسی که از آن به «تسامح و تساهل» یاد می‌شود، یک وضع حقوقی و پیش‌آمد تاریخی است، نه یک صفت نفسانی و اخلاقی. پس باید واژه



ارزشمند مدارا را با کلمه «تولرانس» که در زبان فارسی با کلمه بی‌قیدی تناسب دارد متمایز کرد. واژه‌های سهله و سمحه که در روایات آمده است، به معنای فقدان عسر و حرج و مشقت در دین است؛ یعنی احکام اسلام، مطابق با فطرت بشری است و سختگیری غیر منطقی در آن دیده نمی‌شود. پس مدارای اسلامی غیر از تسامح و اباحه‌گری و بی‌تفاوتی است که امروزه در گفت و گوهای بعضی از روشنفکران مطرح می‌شود. در اصطلاح فرنگیان، کلمه «تولرانس» که به معنای پذیرش، تحمل و به دوش کشیدن است، اکنون در رهاسازی و بی‌قیدی و سازشکاری به کار می‌رود. اما این تسامح به معنایی که ذکر شد با آنچه که در اسلام از آن سخن به میان آمده، بسیار تفاوت دارد. تسامح و تساهلی که معطوف به مبانی باشد، در فرهنگ اسلامی مردود است. (دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم، ۱۳۶۰، ۷:۷) با توجه به تعریف بالا، مدارا یعنی تحمل مخالفت‌ها و برخورد نرم با کسانی که از لحاظ عقیده، مخالف است و با مدارا سعی و کوشش در جذب شان و باز داشتن آنان از اقدام خصمانه، بدون اینکه به قهر و سرکوب آنان متوسل شود.

#### معناشناسی واژه اخلاق و معنویت

معنویت به معنی برجسته کردن ارزش‌های معنوی از قبیل: اخلاص، ایثار، توکل، ایمان در خود و در جامعه است، و اخلاق به معنی رعایت فضیلت‌هایی چون خیرخواهی، گذشت، کمک به نیازمند، راستگویی، شجاعت، تواضع، اعتماد به نفس و دیگر خلقیات نیکو است. معنویت و اخلاق، جهت دهنده همه حرکت‌ها و فعالیت‌های فردی و اجتماعی و نیاز اصلی جامعه است، بودن آنها، محیط زندگی را حتی با کمبودهای مادی، بهشت می‌سازد و نبودن آن حتی با برخورداری مادی، جهنم می‌آفریند. (بیانیه گام دوم انقلاب ۱۳۹۷/۱۱/۲۲، <https://farsi.khamenei.ir/message-content?id=41673>)

معنویت به معنای آن است که نسبت به حقیقت بی‌انتهای هستی شناخت و باور وجود داشته باشد و تمام حرکات و رفتارها بر اساس یک واقعیت اصیل تنظیم و هماهنگ

شده باشد. (امین، ۱۳۸۹: ۴)

معنویت حالتی روحانی، باطنی و مرتبط با حقیقت هستی است که از راه عبادت، یاد خدا و حقیقت هستی، بالاتر از علاقه به سوی غیر خدا باشد. از همین رو از دنیا و زخارف آن دل بر می‌دارد و به خدای یگانه دل می‌بندد. همین معنویت و مقدار آن در وجود آدمی است که به او ارزش می‌دهد و معیار سنجش او می‌شود و به تعبیر امام خمینی میزان در انسانیت، معنوی بودن اوست. (امام خمینی، ۱۳۶۸: ۸)

### معیار مدارا و غلظت در سیره پیامبر اعظم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ

در سیره عملی پیامبر اعظم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ هم مدارا وجود دارد، و هم شدت و غلظت مشاهده می‌شود. این گونه نیست که رفتار حضرت همواره با دشمنان و مخالفان با مدارا و مهربانی باشد، و جدیت و صلابت در رفتارش مشاهده نشود؛ بلکه ایشان به عنوان الگو و اسوه کامل انسان‌ها اعتدال را در زندگی رعایت نموده و رفتارش بر مبنای مدارا و غلظت استوار است.

چنانکه امام حسین عَلَيْهِ السَّلَام در مورد رسول اکرم نقل کرده است:

«وَلَا تُغَضِبُهُ الدُّنْيَا وَمَا كَانَ لَهَا فَإِذَا تُعْطِيَ الْحَقُّ لَمْ يَعْرِفْهُ أَحَدٌ وَ لَمْ يَقُمْ لِعَضْبِهِ شَيْءٌ حَتَّى يَنْتَصِرَ لَهُ...»؛ «دنیا و ناملایمات آن هرگز او را به خشم نمی‌آورد و وقتی که حقی پامال می‌شد از شدت خشم کسی او را نمی‌شناخت و از هر چیزی پروا نداشت تا آنکه حق را یاری می‌کرد و احقاق حق می‌نمود» (مجلسی، ۱۶: بی‌تا)

پیامبر اعظم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ در مورد مسایلی که مربوط به شخص خودش بود، همچنین موضوعاتی که به مسایل اصولی و اساسی اسلام ضرری وارد نمی‌ساخت، نرم و ملایم بود؛ اما در حفظ اصول اعتقادی و مصالح اسلام و نظام اسلامی، و احکام مسلم و ضروری دین، و در اجرای مقررات شرع و حدود الهی، سختی و صلابت از خود نشان می‌داد و حاضر نبود ذره‌ای از احکام و حدود الهی، به خاطر مصلحت‌اندیشی تعطیل شود. (روشندل، ۱۳۸۵: ۵۲)

شهید مطهری، خُلق و خوی و رفتار و طرز دعوت و تبلیغ پیغمبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ را یکی از

علل پیشرفت سریع اسلام معرفی می‌کند و می‌نویسد: شخصیت رسول اکرم ﷺ، خلق و خوی رسول اکرم، سیره رسول اکرم، طرز رفتار رسول اکرم، نوع رهبری و مدیریت رسول اکرم عامل مهم در نفوذ و توسعه اسلام است و حتی بعد از وفات پیغمبر اکرم هم تاریخ زندگی پیغمبر اکرم یعنی سیره او که در تاریخ نقل شده است، خود این سیره تاریخی عامل بزرگی بوده است برای پیشرفت اسلام. (مطهری، ۱۳۸۵، ۲۰۵)

معنویت در جامعه اسلامی مبتنی بر آموزه‌های دین است به گونه‌ای که تعالیم اسلام و آموزه‌های رفتاری رسول اعظم شکل دهنده معنویت می‌باشد، اگر معنویت در جامعه استوار گردد اخلاق مداری در میان افراد جامعه رسوخ می‌یابد. همان گونه که در بیانیه گام دوم معنویت و اخلاق جز شعارهای اصلی انقلاب اسلامی آمده است:

انقلاب اسلامی عیار معنویت و اخلاق را در فضای عمومی جامعه به گونه‌ای چشمگیر افزایش داد. این پدیده مبارک را رفتار و منش امام خمینی در طول دوران مبارزه و پس از پیروزی انقلاب، بیش از هر چیز رواج داد؛ آن انسان معنوی و عارف و وارسته از پیرایه‌های مادی، در راس کشوری قرار گرفت که مایه‌های ایمان مردمش بسی ریشه دار و عمیق بود. (بیانیه گام دوم انقلاب ۱۳۹۷/۱۱/۲۲، <https://farsi.khamenei.ir/message-content?id=41673>)

توصیه به اخلاق و معنویت یکی از نکاتی است که رهبر معظم انقلاب اسلامی همیشه نسبت به آن تأکید داشتند و از نگاه ایشان همه به خصوص جوانان باید در زمینه اخلاق و رسیدن به قله‌های معنوی آرمان‌گرا باشند. همانگونه که در فرمایشات خود در دیدار با کارگران می‌فرماید:

ما دنبال رفاه جامعه، رشد علمی جامعه، رشد مادی جامعه، رشد فناوری جامعه هستیم اما دنبال معنویت جامعه و صلاح جامعه و عزت جامعه و پیشرفت اخلاقی جامعه، دنبال اینها هم هستیم. (فرمایشات رهبری در دیدار با کارگران، ۱۳۹۸/۰۲/۴) (<https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=42343>)

### شیوه پیامبر اعظم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ در مدارا با افراد جامعه

یکی از عوامل مهمی که در محبوبیت یافتن پیامبر بزرگوار اسلام در میان مردم و گرایش گروه‌ها و فرقه‌های گوناگون به آن حضرت، نقش موثری داشته، نرم خویی و مدارای آن حضرت با مردم بوده است. (حسن الهی، ۱۳۸۷: ۱۶۰)

مدارا در سیره اجتماعی رسول خدا نقش مبنایی داشته و مایه قوام و دوام روابط و مناسبات صحیح اجتماعی بوده است. برخوردی از سر ملایمت و به دور از درشتی و خشونت آن حضرت در عرصه جامعه سازنده‌ترین عنصر در اصلاح جامعه در روابط و مناسبات اجتماعی بود. (چراغ چشم - مجدی نسب، ۱۳۸۵: ۱۱۴)

چنانچه امام خمینی رحمه الله درباره اهمیت مدارا می‌فرماید: «مدارا در انجام امور مدخلیت کامل است، چه در باب معاشرت با خلق و انجام امور دنیوی، و چه راجع به امور دینی و هدایت و ارشاد خلق و باب امر به معروف و نهی از منکر، بالجمله مدارا در پیشرفت مقاصد، از هر چیز مؤثرتر است، و چنانچه در مقاصد دنیائی چنین است، در مقاصد دینی از قبیل ارشاد و هدایت مردم مدارا از مهمات است که بدون آن، این مقصد شریف عملی نخواهد شد.» (خمینی، ۱۳۸۷، ۳۱۵)

قرآن کریم در مورد رفتار پیامبر با مردم می‌فرماید: «فَبِمَا رَحْمَةٍ مِنَ اللَّهِ لِنْتَ لَهُمْ وَلَوْ كُنْتَ فَظًّا غَلِيظَ الْقَلْبِ لَانفَضُّوا مِنْ حَوْلِكَ فَاعْفُ عَنْهُمْ وَاسْتَغْفِرْ لَهُمْ وَ شَاوِرْهُمْ فِي الْأَمْرِ فَإِذَا عَزَمْتَ فَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُتَوَكِّلِينَ؛ به (برکت) رحمت الهی، در برابر آنان [مردم] نرم (و مهربان) شدی! و اگر خشن و سنگدل بودی، از اطراف تو، پراکنده می‌شدند. پس آنها را ببخش و برای آنها آموزش بطلب! و در کارها، با آنان مشورت کن! اما هنگامی که تصمیم گرفتی، (قاطع باش! و) بر خدا توکل کن! زیرا خداوند متوکلان را دوست دارد» (آل عمران/ ۱۵۹)

در آیه فوق، اشاره به یکی از مزایای فوق العاده اخلاقی پیامبر اعظم شده و می‌فرماید: در

پرتو رحمت و لطف پروردگار، تو با مردم مهربان شدی در حالی که اگر خشن و تندخو و سنگدل بودی از اطراف تو متفرق می‌شدند. " فظ " در لغت به معنی کسی است که سخنانش تند و خشن است، و غلیظ القلب به کسی می‌گویند که سنگدل می‌باشد و عملا انعطاف و محبتی نشان نمی‌دهد بنابراین، این دو کلمه گرچه هر دو به معنی خشونت است اما یکی غالبا در مورد خشونت در سخن و دیگری در مورد خشونت در عمل به کار می‌رود و به این ترتیب خداوند اشاره به نرمش کامل پیامبر ص و انعطاف او در برابر افراد نادان و گنهکار می‌کند. (مکارم شیرازی و دیگران، ۱۳۷۴، ۱۴۱: ۳)

همچنین خداوند در این آیات بیان می‌دارد که سهل‌گیری پیامبر ﷺ نسبت به مؤمنان و گذشتن از گناه ایشان رحمتی از طرف خداوند است که او را نرم خو و خوش خلق قرار داده است و نرمی حضرت موجب داخل شدن آنان در دین است؛ زیرا پیامبر با صفات کریم خود، حسن خلق و سجایای نیکو، برهان و دلیل برایشان می‌آورد. (طبرسی، ۱۳۶۰، ۴: ۳۱۴)

از این رو می‌توان گفت مدارا با مردم از آن جهت در اسلام مورد تاکید واقع شده که ابزار مناسبی برای ساخت جامعه‌ای متحد و یکپارچه، و دارای صلح و آرامش است.

همان طور که پیامبر ﷺ مأمور به پرپایی واجبات بود، مأمور به رفتاری از سر مدارا بود و خود می‌فرمود: «انَّ اللهَ تَعَالَى أَمَرْتُ بِمُدَارَاةِ النَّاسِ كَمَا أَمَرْتُ بِتَبْلِيغِ الْفَرَائِضِ؛ خدای تعالی همان گونه که مرا به تبلیغ واجبات فرمان داده، به مدارا با مردمان فرمان داده است.» (حرانی، ۱۳۸۸: ۴۸) و در بیان دیگری می‌فرمایند: «أَمَرَنِي رَبِّي بِمُدَارَاةِ النَّاسِ كَمَا أَمَرَنِي بِأَدَاءِ الْفَرَائِضِ؛ پروردگارم همان گونه که مرا به برپایی واجبات فرمان داده، به مدارا با مردم فرمان داده است.» (بحرانی، ۱۴۱۶، ۵۲: ۳)

در بیان اول، مدارا و رفتار توأم با محبت و سهولت را در برابر تبلیغ رسالت و در بیان دوم در برابر انجام فرائض قرار داده است که حاکی از اهمیت این اصل می‌باشد. (سعیدی، ۱۳۸۵: ۲۳)

انبیای بزرگ الهی جلوه رحمت الهی هستند و پیامبر اعظم جلوه تام و کامل این رأفت و

مهربانی و رحمت الهی است و سیره ایشان در رابطه با افراد جامعه رحمت و محبت است. پیامبر اسلام ﷺ از جهت اخلاق و مدارا با مردم سرآمد همه انسان‌ها و یک انسان کامل بود. به همه صفات نیک، در حد اعلا آراسته و از همه بدی‌ها و اخلاق زشت خالی و منزه بود. (امینی، ۱۳۸۶: ۱۸۲)

امام علی علیه السلام درباره برخوردهای اجتماعی پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله می‌فرماید: «كَانَ دَائِمَ الْبِشْرِ سَهْلَ الْخُلُقِ لَيْنَ الْجَانِبِ لَيْسَ بِفِظٍّ وَلَا غَلِيظٍ وَلَا صَخَّابٍ؛ (پیامبر) گشاده رو و خوش اخلاق و نرم خو بود نه خشن و درشت خود» (ابن بابویه، ۱۴۰۳: ۸۳)

گشاده رویی و نرم خوایی از بارزترین صفت‌های انسانی است که موجب جلب محبت می‌شود و اثری شگفت‌انگیز دارد، لذا خدای تعالی انبیا و اولیای خود را از میان انسان‌های نرم خو و با محبت آفرید تا بتوانند بهتر در میان مردم اثر بگذارند و آنان را به آیین الهی دعوت نمایند؛ بدیهی است خوش رفتاری پیامبر صلی الله علیه و آله اکرم با مردم اثری سازنده داشته و در هدایت و نجات آنان از عقیده باطل نقش چشمگیری دارد.

در روایتی از امام صادق علیه السلام آمده است: «جَاءَ جَبْرَيْلُ عِ إِلَى النَّبِيِّ ص فَقَالَ يَا مُحَمَّدُ رَبُّكَ يَقْرُئُكَ السَّلَامَ وَ يَقُولُ لَكَ دَارِ خَلْقِي؛ جبرئیل به نزد پیامبر آمد و گفت: ای محمد! پروردگارت سلام می‌رساند و می‌فرماید: با بندگام [اعم از مسلمان و غیرمسلمان] مدارا کن» (مجلسی، بی‌تا، ۲۱۳: ۱۸)

همانگونه که در بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی آمده است: شعور معنوی و وجدان اخلاقی در جامعه هر چه بیشتر رشد کند برکات بیشتری به بار می‌آورد؛ این، بی‌گمان محتاج جهاد و تلاش است و این تلاش و جهاد، بدون همراهی حکومت‌ها توفیق چندانی نخواهد یافت. اخلاق و معنویت، البته با دستور و فرمان به دست نمی‌آید، پس حکومت‌ها نمی‌توانند آن را با قدرت قاهره ایجاد کنند، اما اولاً خود باید منش و رفتار اخلاقی و معنوی داشته باشند، و ثانیاً زمینه را برای رواج آن در جامعه فراهم کنند و به نهادهای اجتماعی در این باره میدان دهند و کمک برسانند؛ با کانون‌های ضد معنویت و اخلاق، به شیوه معقول

بستیزند و خلاصه اجازه ندهند که جهنمی‌ها مردم را با زور و فریب، جهنمی‌کنند. (بیانیه گام دوم انقلاب ۱۳۹۷/۱۱/۲۲، [https://farsi.khamenei.ir/message-\(content?id=41673\)](https://farsi.khamenei.ir/message-(content?id=41673)))

بنابراین می‌توان شیوه حضرت را در مدارا با اقشار مختلف مردم در ویژگی بارز حضرت که یکی از آنها در قرآن با «رحمة للعالمین» آمده است و دیگری در ویژگی گذشت حضرت در عین قدرت مند بودن ایشان مختصر می‌شود، بیان کرد:

#### ۱. پیامبر اکرم ﷺ، کانون رحمت و مدارا

سیره اجتماعی رسول خدا بر ملایمت و تحمل و مدارایی شگفت استوار بود، با آن کس که خسته از راه پیمودن، مانده بود، مدارا می‌کرد، با او می‌نشست تا خستگی‌اش در رود؛ یا آن کس را که چون پا شکسته‌ای توان از دست داده بود، یاری می‌کرد، و با محبت و ملایمت بر سر او می‌نشست تا درمانش کند و به کاروان در حال حرکت به سوی مقصد برساند. او خستگان را رها نمی‌کرد و بیماران را وانمی‌گذاشت و با همه مدارا می‌کرد و جز آنان که به دست خویش، خود را هلاک ساخته و زمینه هدایت خویش را کور کرده بودند و تلاش آن حضرت درباره آنان به جایی نمی‌رسید. (دلشاد تهرانی، ۱۳۸۵، ۲: ۶۱)

رسول اعظم ﷺ برای تبلیغ احکام الهی و هدایت و رستگاری مردم سعی و کوشش فراوانی نمود و در این راه از مهربانی و مدارا با موافقان و مخالفان دین، دریغ نکرد و همواره با محبت و مهربانی آنان را از ضلالت نجات می‌داد جز گمراهانی که غیر قابل هدایت بوده و مسیر انحراف را انتخاب کرده بودند.

در کتاب شریف مکارم الأخلاق درباره رفتارهای از سر رحمت و مدارای پیامبر چنین آمده است: «آن حضرت از چیزی که به آن رغبت و میلی نداشت غفلت می‌ورزید، به طوری که مردم از او مایوس و ناامید نمی‌شدند؛ اگر اهل مجلس از چیزی به خنده می‌افتادند وی نیز می‌خندید و از آنچه تعجب می‌کردند؛ تعجب می‌کرد.» (طبرسی، ۱۳۶۵، ۱:

تعامل مثبت همراه با مدارا با فرقه‌ها و افراد غیر مسلمان نیز در جامعه اسلامی از مظاهر مدارا است. در قرآن کریم و کلمات معصومین و سیره و سنت پیامبر ﷺ و ائمه معصومین علیهم‌السلام روی این موضوع تأکید شده و این تعامل اختصاص به اهل کتاب همچون یهودیان و مسیحیان نداشته بلکه شامل کافران و مشرکان هم که در ستیز و جنگ با حکومت دینی نیستند؛ می‌شود. (سعیدی، ۱۳۸۵: ۳۳)

قرآن کریم در مورد تعامل با کفار می‌فرماید: «لَا يَنْهَاكُمُ اللَّهُ عَنِ الَّذِينَ لَمْ يُقَاتِلُوكُمْ فِي الدِّينِ وَلَمْ يُخْرِجُوكُمْ مِنْ دِيَارِكُمْ أَنْ تَبَرُّوهُمْ وَتُقْسِطُوا إِلَيْهِمْ إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُقْسِطِينَ؛ خدا شما را از کسانی (از کفار) که با شما درباره دین نجنگیده و شما را از خانه‌هایتان بیرون نکرده‌اند منع نمی‌کند که به آنها نیکی کنید و با قسط و عدل رفتار نمایید، زیرا خدا عدالت‌پیشگان را دوست دارد.» (ممتحنه / ۸)

صبر و بردباری و عفو و بخششی که از ناحیه پیامبر صادر شده از آن جهت حائز اهمیت است که در هنگام قدرت ایشان بوده است. نبی مکرم اسلام ﷺ قبل از هجرت به مدینه و در زمان حضور در مکه، در برابر آزار و سختی‌هایی که از کنار قریش بر او و یارانش می‌رسید، صبر کردند تا اینکه خداوند اسباب پیروزی را فراهم آوردند. قریش یقین داشتند که پیامبر، آنان را ریشه کن خواهد ساخت و سرزمین‌هایشان را نابود خواهد ساخت ولی عفو و بخشش حضرت در مورد آنها به مراتب بیشتر شد. (قمی، ۱۳۷۵: ۱۸۱)

نمونه‌ای از رحمت و مدارای پیامبر در روز فتح مکه است، روزی که سعد بن عباده چنین رجز می‌خواند: «الْيَوْمُ يَوْمُ الْمَلْحَمَةِ، الْيَوْمُ تُسَبَى الْحُرْمَةُ؛ امروز روز جنگ و نبرد است، امروز روزی است که حرمت‌ها از بین برود» پیامبر به حضرت علی علیه‌السلام دستور داد پرچم را از او گرفته و پرچمدار باشد. به او فرمود شعار دهد: «اليوم يوم المرحمة؛ امروز روز عفو و رحمت است» (خزاعی، ۱۴۱۹، ۳۴۵)

به این ترتیب مکه بدون خون‌ریزی فتح شد و جاذبه این عفو و رحمت اسلامی که هرگز انتظار آن را نداشتند چنان در دل‌ها اثر کرد که مردم گروه‌گروه آمدند و مسلمان شدند و



صدای این فتح عظیم در تمام جزایر عربستان پیچیده و آوازه اسلام همه جا را فرا گرفت و موقعیت اسلام و مسلمین از هر جهت تثبیت شد. (قاضی عسکر، ۱۳۷۶، ۳۹۹)

دقت در سیره پیامبر اکرم ﷺ این حقیقت را به خوبی نمایان می سازد که آن حضرت با رفت و دلسوزی و با مدارا نسبت به امت خویش موجبات سعادت و هدایت امت شده و آنان را از عقیده باطل و گمراه کننده باز می داشته است.

چنان که پیامبر اکرم ﷺ می فرمایند: «مَنْ يَحْرَمُ الرَّفْقَ يَحْرَمُ الْخَيْ؛ هر که از رفق بی بهره باشد، از هر گونه خیر بی بهره است» (حر عاملی، ۱۴۰۹، ۱۵: ۲۷۱)

این رفق و مدارا کردن نشانه عقل و قدرت تدبیر است؛ نه نشانه ضعف و ذلت و عقب نشینی. بلکه تندی و اهانت کردن نشانه ی ضعف و ذلت است. (محمدی اشتهاردی، ۱۳۸۳: ۶۱۹) پیامبر ﷺ در این رابطه می فرمایند: «أَعْقَلُ النَّاسِ أَشَدُّهُمْ مُدَارَاةً لِلنَّاسِ... وَ أَدْلُ النَّاسِ مَنْ أَهَانَ النَّاسَ؛ عاقل ترین مردم کسی است که بیشمار با مردم مدارا کند... و خوارترین مردم کسی است که مردم را خوار شمرد» (پاینده، ۱۳۶۳، ۲۰۲)

بنابراین مدارا یکی از مهم ترین اصول اخلاقی است که در بهبود روابط اجتماعی نقش تاثیرگذاری دارد و پیامبر اسلام ﷺ به خاطر رحمت و گذشت و مدارایش با دشمنان و مخالفان موجبات هدایت آنان را فراهم کرده به گونه ای که به حقانیت نبوت ایشان پی برده و اعتراف به آن می کردند.

همان گونه که در بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی درباره این مساله و نقش مهم آن در بهبود اوضاع جامعه آمده است: معنویت و اخلاق، جهت دهنده همه حرکت ها و فعالیت های فردی و اجتماعی و نیاز اصلی جامعه است؛ بودن آن ها، محیط زندگی راحتی با کمبودهای مادی، بهشت می سازد و نبودن آن حتما با برخورداری مادی، جهنم می آفریند. (بیانیه گام دوم انقلاب ۱۳۹۷/۱۱/۲۲، [https://farsi.khamenei.ir/message-](https://farsi.khamenei.ir/message-content?id=41673)

[content?id=41673](https://farsi.khamenei.ir/message-content?id=41673))

پیغمبر ﷺ، پیامبر علم بود، در آن جامعه علم نبود؛ پیامبر عدل بود، در آن جامعه

رایحه‌ای از عدالت به مشام نمیرسید و قدرتمندان، زورمندان، رؤسای زورگو بر جان و مال مردم مسلط بودند. پیامبر اخلاق و مدارا و گذشت و انصاف و محبت بود، در آن جامعه این چیزها به تمام معنا قحط بود؛ یک جامعه‌ی خشن، زورگو و زور شنو، دور از اخلاق و معنویت، دور از علم، دلبسته‌ی به هواهای نفسانی، به عصبیتهای جاهلی، به غرورهای بی‌مورد و بیجا. در یک چنین فضای متحجر و دشواری، در یک چنین سنگستان بی‌آب و علفی این نهال روئید، سیزده سال در این شرائط سخت رشد کرد و این سیزده سال منتهی شد به ایجاد یک حکومت؛ تشکیل یک جامعه بر مبنای علم و عدل و توحید و معنویت و اخلاق و کرامت. ذلت را تبدیل به عزت کرد؛ وحشیگری را تبدیل به اخوت کرد؛ عصبیت را تبدیل به مدارا و تعقل کرد؛ جهل را تبدیل به علم کرد؛ یک قاعده‌ی مستحکمی، یک شالوده‌ی متینی به وجود آورد که بر اساس آن شالوده‌ی محکم، قرن‌ها مسلمانان توانستند بر قله‌ی مدنیت عالم مسلط شوند و قله‌هایی را خودشان به وجود بیاورند که در تاریخ بشریت سابقه نداشت. (بیانات رهبری، بیانات در دیدار مسئولان نظام به مناسبت مبعث حضرت رسول اعظم ﷺ، ۱۳۸۷/۰۵/۹) (<https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=3580>)

## ۲. گذشت و مدارا در عین قدرت

سوابق درخشان زندگی پیامبر ﷺ و روحیات و اخلاق پسندیده آن حضرت، راستگویی و درستکاری او در طول عمر، برعموم فامیل و خویشاوندان وی روشن بود و همه بستگان پیامبر می‌دانستند که او در زندگی پر افتخار خود، گرد گناه نگردیده و قصد کوچکترین تجاوزی به کسی ننموده و خلافتی بر زبان او جاری نشده است به همین دلیل، از نخستین روز دعوت عمومی، اکثریت قریب به اتفاق بنی هاشم ندای وی را لبیک گفته و پروانه وار گرد شمع وجودش جمع شدند. در میان بنی هاشم تنها چند نفر انگشت شمار بودند که از ایمان به وی سر برتافتند و پس از ابولهب می‌توان دو نفر از بستگان آن حضرت به نام‌های ابوسفیان بن الحارث بن عبدالمطلب و عبدالله بن ابی امیه را نام برد که از در مخاصمت و

لجاجت وارد شده نه تنها به او ایمان نیاوردند، بلکه سد راه حق گشته و بیش از حد، حضرتش را اذیت کردند. ابوسفیان فرزند حارث، پسر عمه پیامبر و برادر رضاعی وی بود و پیش از بعثت با پیامبر الفت زیادی داشت، ولی پس از بعثت راه خود را از پیامبر جدا کرد. عبدالله برادر ام سلمه فرزند عاتکه عمه ی پیامبر و دختر عبدالمطلب بود.

شیوع اسلام در سراسر شبه جزیره، این دو را مصمم ساخت که مکه را ترک گویند و به مسلمانان پیوندند. آنان در نیمه راه که پیامبر ﷺ برای فتح مکه حرکت کرده بود، با لشکر اسلام روبه رو شدند و هر چه اصرار ورزیدند که پیامبر ﷺ به آنان اذن ملاقات دهد، حضرت نپذیرفت. حتی ام سلمه با لحن عاطفی شفاعت کرد اما پیامبر آن را رد کرد و فرمود: درست است که ابوسفیان پسر عمه من است، ولی مرا بسیار اذیت کرده و دومی همان کسی است که از من درخواست‌های ابلهانه و احمقانه کرد و نیز مانع از ایمان آوردن دیگران شد. (طبرسی، ۱۳۶۵، ۶: ۴۳۹)

امیرمؤمنان علیه السلام که به روحيات و راه تحریک عواطف پیامبر ﷺ وارد بود، به هر دو نفر فرمود: «بروید در برابر پیامبر بایستید و جمله ای را که برادران یوسف، در مقام معذرت و عرض پوزش به او گفتند، شما نیز بر زبان جاری سازید.» برادران یوسف در مقام درخواست عفو چنین گفتند: «قَالُوا تَاللّٰهِ لَقَدْ آتَرَكَ اللّٰهُ عَلَيْنَا وَإِنْ كُنَّا لَخٰطِئِينَ؛ خدا تو را به ما برتری داده و ما از خطاکاران بودید» (یوسف/۹۱) یوسف از شنیدن جمله ی فوق، آن‌ها را با جمله ی زیر عفو کرد و گفت: «قَالَ لَا تَثْرِيبَ عَلَیْكُمْ الْیَوْمَ یَغْفِرُ اللّٰهُ لَكُمْ وَ هُوَ اَرْحَمُ الرَّاحِمِینَ؛ امروز بر شما مؤاخذه‌ای نیست، خدا شما را بخشید و او ارحم الراحمین است.» (یوسف/۹۲) پس امیرمؤمنان افزود: «اگر شما جمله ی اول را بر زبان جاری سازید، او حتما شما را با جمله دوم پاسخ خواهد داد، زیرا او کسی است که هرگز راضی نمی‌شود کسی از او خوش کلام‌تر باشد.» آنان از راهی که امیرمؤمنان نشان داده بود وارد شدند. پیامبر نیز مانند یوسف از خطاهای آنان گذشت، هر دو از آن لحظه لباس جهاد بر تن کردند و تا پایان عمر در آیین توحید پایدار ماندند. (سبحانی، ۱۳۸۸: ۷۹ و ۸۰)

امروز بعضی مدیریت را تنها سابقه، تخصص و موفقیت را داشتن امکانات و نیروها و اطاعت مردم را از طریق تهدید یا تطمیع می‌دانند. اما سیره پیامبر ﷺ در مدیریت: اخلاق، نرمی، دوری از درشت‌خویی، عیب‌جویی، مداحی و تکلف و امتیاز خواهی بود. (قرائتی، ۱۳۸۵، ۹۸)

از این رو رفتار دور از خشونت پیامبر اسلام در عین اقتدار و قدرت را می‌توان یادآور شد که چگونه در برابر آزارها و اهانت‌های امت خود دستور عفو عمومی می‌داد و به جای انتقام از آنان با مدارا و مهربانی با آنان برخورد می‌کرد و از تقصیر آنان جز کسانی که به دشمنی خود پایدار و استوار بودند، می‌گذشت و دل‌ها را به پذیرش اسلام متمایل می‌ساخت.

#### مصادیق مدارا با مخالفان در سیره پیامبر اکرم ﷺ

رسول خدا ﷺ در برخورد با گروه‌های خاص مردم در شرایط مختلف مدارا داشتند. در ذیل به برخی از مصادیق آن اشاره می‌شود:

##### ۱. مدارا با مشرکان

برگزیدن رفتار نیک در پاسخ بدی‌های دیگران، شیوه‌ای است که بازدهی آن می‌تواند انسان را در بسیاری از موارد از آسیب دشمن دور کند، پیامبر اعظم ﷺ با برگزیدن این شیوه، دشمنی بسیاری از مشرکان را خنثی می‌کرد. (یزدی، ۱۳۹۳: ۱۰۴)

خداوند در قرآن کریم به این ویژگی اخلاقی پیغمبر اسلام ﷺ شهادت می‌دهد: «مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللَّهِ وَالَّذِينَ مَعَهُ أَشِدَّاءُ عَلَى الْكُفَّارِ رُحَمَاءُ بَيْنَهُمْ؛ مُحَمَّدٌ فَرَسْتَادَهُ خَدَّاسْتِ، وَكَسَانِي كِه بَا اَوْ هَسْتَنَدُ دَر بَرَابَرِ كُفَّارِ سَرَسَخْتِ وَ شَدِيدِ، وَ دَر مِیَانِ خُودِ مَهْرَبَانِنْدُ» (فتح / ۲۹)

دلیل روشن آن فتح مکه است که مشرکین با آن مواجه گردیدند و آنانی که تسلیم شدند دستور پناه دادن و مدارا را صادر کرد، در حالی که آنان همان‌هایی بودند که در طول سیزده سال در مکه و پس از هجرت به مدینه نیز بارها به جنگ با پیامبر ﷺ برخاستند و لشگر کشی‌ها کردند. آنان در مکه خاکروبه و شکمبه‌های شترها را بر سر او می‌ریختند و سنگ

بارانش نموده و زخم زبان‌ها می زدند، اما وجود نازنین پیامبر ﷺ رحمت وقتی به قدرت رسید، نه تنها انتقام نگرفت، بلکه رحمت و گذشت و مدارای آن حضرت به پهنه آسمان بر سر همه آنان سایه افکنده بود. (ناطق، ۱۳۹۲: ۱۱۶)

نمونه بارز برخورد مسالمت آمیز پیامبر اسلام با مشرکان، گذشت تاریخی و مدارای پیامبر اسلام ﷺ با مشرکین در جریان فتح مکه می باشد. در سال هشتم هجرت، هنگامی که سپاه اسلام به فرماندهی پیامبر اسلام ﷺ مکه را فتح نمودند و مسلمین بر همه اوضاع آن سامان مسلط شدند، پیامبر اسلام ﷺ خطاب به مردم مکه که مشرک بودند فرمود: «ای قریشیان به گمان شما من درباره شما چه فرمانی می‌دهم؟» آنها در پاسخ گفتند: «خیراً، أَخِ كَرِيمٍ وَ ابْنِ أَخِ كَرِيمٍ وَ قَدْ قَدَرْتُ؛ ما گمان نیکی داریم و خوبی را می‌گوییم. برادری کریم و فرزند برادری کریم هستی، اینک قدرت در دست توست» (فیض کاشانی، ۱۴۰۶، ۱۲: ۳۲)

پیامبر اکرم ﷺ با کمال بزرگواری به آنان فرمود: «من در مورد شما همان را گویم که برادرم یوسف به هنگامی پیروزی بر برادرانش گفت: «لَا تَثْرِبَ عَلَيْكُمُ الْيَوْمَ؛ امروز سرزنشی بر شما نیست». آنگاه حضرت چنین اعلام کرد: «الْيَوْمَ يَوْمُ الْمَرْحَمَةِ لَا الْمَلْحَمَةَ؛ امروز، روز مهربانی است نه روز انتقام و خون ریزی»

سعد بن عباد که از مسلمانان شجاع انصار بود، هنگام ورود به مکه در حالی که پرچم سپاه در دستش بود، صدا زد: «امروز، روز انتقام و روز خون ریزی است» یکی از مهاجران سخن او را شنید و به پیامبر ﷺ خبر داد، رسول خدا، علی عليه السلام را به سوی او فرستاد تا پرچم را از او بگیرد و خودش پرچمدار شود، علی عليه السلام این دستور را اجرا نمود. (مکارم شیرازی و دیگران، ۱۳۷۴، ۲۷: ۴۰۹)

به این ترتیب پیامبر ﷺ اعلام عفو عمومی کرد و از تندروی‌ها جلوگیری نمود. پیامبر اسلام ﷺ مردمی را مورد عفو قرار داد که شدیدترین شکنجه‌ها و آزار و اذیت را، پیامبر و یارانش از آنها دیده بودند و از مکه نیز به واسطه فشار مشرکین هجرت کردند. همچنین جنگ‌های خونین بدر، احد و احزاب و امثال آنها را قریش علیه مسلمین بر پا نمودند و

چقدر به اسلام ضربه‌های جانی و اقتصادی زدند، پیامبر ﷺ حتی ابوسفیان، هند و قاتل حمزه را بخشیدند. خانه ابوسفیان که سر دسته مشرکین مکه بود، را امن قرار داد و فرمودند: هر کس داخل خانه ابوسفیان شود، در امان است. (ابن هشام، ۱۳۷۵، ۴: ۴۹)

بنابراین، ویژگی رفتاری و پر از رحمت پیامبر خدا موجب پیشرفت دین در اسلام شده بود. رسول اکرم ﷺ توانست با اصل مدارا جامعه آن روز را که مظهر کینه و دشمنی و عناد بود، متحول سازد و پیوند و اتحاد را میان آنان برقرار سازد، از این رو می‌توان گفت هیچ چیز به اندازه مدارا در روابط اجتماعی موثر نیست.

همچنان که رهبر کبیر انقلاب، حضرت امام خمینی قدس سره، در طول دوران مبارزه و انقلاب، ابتدا در برابر ملی‌گرایان دروغین، ضد انقلاب داخلی و مخالفان نظام، با مدارا، نرمی و مهربانی برخورد کرد، اما وقتی آنان به راه حق نیامدند و بر کار خلاف خود اصرار ورزیدند، با شدت و قاطعیت با آنان مقابله کرد، همان‌گونه که جانشین شایسته او حضرت آیه‌الله خامنه‌ای حفظه الله چنین است. (الهامی نیا، ۱۳۸۷، ۷۸)

## ۲. مدارا با اهل کتاب

واژه اهل کتاب که منشا و ریشه قرآنی دارد، گروهی اهل کتاب را به یهودیان و مسیحیان و برخی به صائبین (به عنوان دارندگان کتاب آسمانی و وحیانی گذشته) نیز اطلاق می‌کنند. (طارمی و دیگران، ۱۳۸۸، ۵۹۷: ۱)

در حکومت پیامبر ﷺ آزادی مذهب برقرار بود و پیروان ادیان دیگر در انجام دادن مراسم مذهبی خود آزاد بودند. هیچ فردی را مجبور نساخت که از دین خود برگردد. زیرا مذهب، حقیقتی است قلبی. زور و فشار در قلب نمی‌تواند کاری بکند. کاری که از آن ساخته است جلوگیری از انجام دادن مراسم دینی است؛ در آشکار، نه در نهان. با اینکه حکومت پیغمبر اسلام ﷺ حکومت مذهبی بود، ولی آزادی مذهب در حکومتش برقرار بود و این کار نخستین بار در تاریخ بشر به دست پیغمبر اسلام اجرا گردید. (صدر، ۱۳۸۳: ۵۵۷)

همچنان که امام خمینی رحمته الله علیه درباره اجرای احکام اسلام در مورد غیر مسلمانان، که می‌توان گفت یکی از مصادیق مدارا می‌باشد، می‌فرماید: «کفار مزبور در پناه اسلام هستند و احکام اسلام مانند مسلمان‌های دیگر درباره آنها جاری است و محقون الدم (و از ریختن خونشان جلوگیری شده) بوده و مالشان محترم است. (امام خمینی، ۱۳۶۸، ۱۲۵: ۱۸)

بنابراین آنچه در گفتار و سخنان امام خمینی رحمته الله علیه آمده است، اساساً رفتار با اقلیت‌ها به ویژه با اهل کتاب در نظام انقلاب اسلامی، بر طبق اخلاق اسلامی، قانون، عدالت و انصاف است.

تاکید بیشتر امام خمینی رحمته الله علیه مبنی بر اینکه غیر مسلمانان اعم از اهل کتاب یا غیر آنها در در نظام انقلاب اسلامی از حقوق شهروندی برخوردارند و مال و جانشان محترم است، در پاره‌ای از استفتائاتی که از ایشان شده است به خوبی تبیین شده است و نشان می‌دهد که ایشان در این باره چگونه می‌اندیشد. (قاضی زاده، ۱۳۸۵، ۱۰۴: ۳)

چنان که امام خمینی رحمته الله علیه می‌فرماید: «به این یهودی‌ها که در ایران هستند کسی حق ندارد تعرض بکند، این‌ها در پناه اسلام و مسلمین هستند، نه به یهودی‌ها و نه به نصارا، اینهایی که مذهب رسمی دارند، حق ندارند. (امام خمینی، ۱۳۶۸، ۱۳۰: ۵)

در مدارای رسول اعظم صلی الله علیه و آله و سلم تفاوتی میان دوست و دشمن، کافر و مسلمان وجود نداشت و رحمت و مدارای ایشان به طور گسترده بر عموم مردم بود همان گونه که با مردم مکه و بت پرستان مدارا می‌کرد، برای هدایت اهل کتاب هم چنین بود و این مساله یکی از جلوه‌های رحمت او بر عالمیان است.

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم با هدایت قرآنی ماموریت یافت تا با اهل کتاب با مدارا و نرمی برخورد کند، چنانچه در قرآن کریم آمده است: «وَلَا تُجَادِلُوا أَهْلَ الْكِتَابِ إِلَّا بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ إِلَّا الَّذِينَ ظَلَمُوا مِنْهُمْ...» و با اهل کتاب (یهود و نصاری) مجادله و محاجه مکنید مگر با شیوه‌ای نیکوتر (بدون غلظت و اهانت و تهدید) مگر با کسانی از آنها که ستم کرده‌اند (سابقه تکبر و عناد و ردّ حق دارند) ...» (عنکبوت/ ۴۶)

در این آیه اشاره است که ارشاد جامعه و دعوت مردم بسوی پروردگار باید با بهترین وجه و زیباترین نحو و با نرمش در آگاهی آنان به نشانه‌های هستی خدای جهان و ایمان به او، باشد. (طبرسی، ۱۳۶۰، ۷۱:۱۹)

خداوند رسول خدا ﷺ را مامور کرد تا از طریق تلاوت قرآن دعوت و تبلیغ کند، در این آیه کیفیت دعوت را بیان می‌کند، و از مجادله با اهل کتاب که اطلاق آن شامل یهود و نصاری می‌شود، و مجوس و صابئین هم ملحق به آن دو می‌شوند نهی می‌کند، و می‌فرماید: با این طوایف چند گانه مجادله مکن، مگر به طریقی که بهترین طریق مجادله بوده باشد، و از آن بهتر تصور و امکان نداشته باشد و مجادله وقتی نیکو به شمار می‌رود، که با درشتخویی و طعنه و اهانت همراه نباشد، پس یکی از خوبیهای مجادله این است که با نرمی و سازش همراه باشد. (طباطبایی، ۱۳۷۴، ۲۰۵:۱۶)

رسول خدا ﷺ با افراد یهودی مدارا می‌نمود و با آنان از سر لجاجت و کینه برخورد نمی‌کرد، همین امر بارها و بارها سبب شد تا افراد زیادی از اهل کتاب به حقانیت دین اسلام پی برده و به آن روی آورند. (جدید بناب، ۱۳۸۱، ۱۶۱)

در نامه پیامبر اکرم ﷺ به سران مسیحی؛ از جمله نجاشی، از حضرت مسیح عَلَيْهِ السَّلَام و مادرش حضرت مریم عَلَيْهَا السَّلَام به خوبی و نیکی یاد شده است. پیامبر اعظم در آخر نامه به عنوان خیرخواهی نسبت به او تأکید می‌کنند که: «... وَ إِنِّي أَدْعُوكَ إِلَى اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ وَ قَدْ بَلَغْتُ وَ نَصَحْتُ فَاقْبَلُوا نُصْحِي؛ وَ السَّلَامُ عَلَيَّ مِنْ اتَّبَعَ الْهُدَى؛ همانا من تو را به سوی خدای بزرگ می‌خوانم و من ابلاغ رسالت کرده و تو را نصیحت کردم، پس اندرز من را بپذیر؛ درود بر پیروان هدایت باد!» (ابو زهره، ۱۴۲۵، ۸۶۴:۳)

وقتی پیامبر اعظم ﷺ گروه مهاجرین نخستین را به حبشه فراخواندند، از نجاشی به نیکی یاد کردند و فرمودند: «وَ لَوْ خَرَجْتُمْ إِلَى أَرْضِ الْحَبَشَةِ فَإِنَّ بِهَا مَلِكًا لَا يَظْلُمُ عِنْدَهُ أَحَدٌ وَ هِيَ أَرْضٌ صِدْقٌ حَتَّى يَجْعَلَ اللَّهُ لَكُمْ فَرْجًا مِمَّا أَنْتُمْ فِيهِ؛ اگر به سرزمین حبشه سفر کنید، در آن جا زمام داری وجود دارد که نزد او کسی ظلم و ستم نمی‌کند و آن جا خاکِ درستی و



پاکی است و شما می‌توانید در آن جا به سر برید تا خدا برای شما فرجی پیش آورد». (حلبی شافعی، ۱۴۲۷، ۱:۴۵۶)

پیامبر اکرم ﷺ از هر راه ممکن تلاش می‌کردند تا فاصله اعتقادی اهل کتاب و دین الهی را کاهش دهد بنابراین با اصل مدارا و سازش در عین قدرت و صلابت نسبت به آن اقدام می‌کردند هر چند دعوت اهل کتاب به حقیقت راه دشواری بود ولی حضرت با سعه صدر و رفتار مسالمت آمیز و نرم خوئی و گشاده رویی در دل‌های آنان نفوذ کرده و مسیر هدایت را برای آن هموار می‌ساخت

رهبر کبیر انقلاب، الگو قرار دادن پیشوایان دین در رفتار با مردم را را همواره مورد تاکید قرار می‌دادند و می‌فرمایند: کوشش کنید که با بندگان خدا جوری رفتار کنید که امامان شما رفتار می‌کردند، پیغمبر شما رفتار می‌کرد و سایر انبیاء رفتار می‌کردند... فرق بین انقلاب اسلامی و شاهنشاهی این است که انقلاب اسلامی از مردم است و شاهنشاهی می‌گفت نه، من این طور نیستم که به مردم کار داشته باشم، ما خودمان باید کارها را، مردم باید تحت سلطه ما باشند و با مردم آن طور می‌کردند، با بندگان خدا رفتار خوب بکنند و پیروزی از آنها به دست ما آمده است. (امام خمینی، ۱۳۶۸: ۱۸)

### ۳. مدارا با منافقان

اصطلاح «منافق» ویژه کسی نیست که تنها خود و اطرافیان نزدیک او از ناهماهنگی دل و زبانش آگاه باشند؛ بلکه کسانی که قرآن بارها آنان را با اشاره به سخنان آنان هنگام جنگ و صلح و درباره غنائم جنگی و غیر آن به مسلمانان شناسانده بود؛ نیز با نام «منافق» شناخته می‌شدند. نفاق پدیده‌ای بود که در همان سال‌های نخست ورود پیامبر ﷺ به مدینه، بین مردان و زنان فراوانی رواج یافت، گرچه رگه‌هایی از آن را می‌توان در اطرافیان آن حضرت در مکه نیز مشاهده کرد. (یزدی، ۱۳۹۳: ۳۶۲)

خداوند در قرآن کریم می‌فرماید: «يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ جَاهِدِ الْكُفَّارَ وَالْمُنَافِقِينَ وَ اغْلُظْ عَلَيْهِمْ

وَمَا وَاهُمْ جَهَنَّمَ وَبِئْسَ الْمَصِيرُ؛ ای پیامبر جهاد کن با کفار و منافقین و سخت بگیر بر آنان و جایگاه آنها جهنم و بد بازگشتی است آن» (توبه: ۷۳)

مرحوم طبرسی در تفسیر این آیه می‌نویسد: جهاد با کفار به صورت جنگ و کشتن است، و جهاد با منافقان گفتن سخنانی که آنان را از کارهای زشت باز دارند، نه جنگ کردن با آنان. البته در این صورت نیز صرف تلاش و جهاد صدق میکند. (طبرسی، ۱۳۶۰، ۶۳:۱۰)

امام صادق ع در تفسیر این آیه می‌فرماید: «إِنَّ رَسُولَ اللَّهِ ص، لَمْ يَقَاتِلْ مُنَافِقًا قَطُّ، إِنَّمَا كَانَ يَتَأَلَّفُهُمْ؛ رسول خدا هیچگاه به قتل منافقان اقدام نکردند، همیشه با آنان مهربانی و الفت می‌نمودند» (حویزی، ۱۴۱۵ق، ۲: ۲۴۱)

همچنانکه درباره اجرای شعائر دینی و اجتماعی، امام خمینی رحمته اقلیت‌های مذهبی را در انقلاب اسلامی در انجام کلیه فرایض دینی و اجتماعی آزاد می‌داند و آنان را مورد احترام می‌شمارد:

«تمام اقلیت‌های مذهبی در ایران برای اجرای آداب دینی و اجتماعی خود آزادند و حکومت اسلامی، خود را موظف می‌داند تا از حقوق و امنیت آنان دفاع کند و آنان هم مثل سایر مردم مسلمان ایران، ایرانی و محترم هستند. (امام خمینی، ۱۳۶۸، ۱۲۰: ۴)

امام خمینی رحمته با آزادی دینی و اجتماعی برای اقلیت‌ها، دولت انقلاب اسلامی را نیز موظف می‌داند که از حقوق آنان پاسداری نموده و امنیت را برای آنان تامین نماید که این خود یکی از مصادیق مدارا می‌باشد؛ البته این شیوه و رفتار با اقلیت‌ها و امنیت آنان متخذ از سیره و منش پیامبر اکرم ص است.

بنابراین مدارا، اصلی‌ترین و مهم‌ترین الگوی رفتاری رسول اکرم ص در برابر منافقان به شمار می‌رود از این رو به گونه‌ای با منافقان رفتار می‌کرد که لطمه‌ای به مسلمین وارد نکنند و با وجود عناد و دشمنی‌های آنان، رسول اکرم ص اصل مدارا را در پیش می‌گرفتند و در عین کنترل اوضاع، در برابرشان سختگیری نمی‌کردند.

خداوند متعال در قرآن کریم می فرماید: «أُولَئِكَ الَّذِينَ يَعْلَمُ اللَّهُ مَا فِي قُلُوبِهِمْ فَأَعْرِضْ عَنْهُمْ وَعِظْهُمْ وَقُلْ لَهُمْ فِي أَنْفُسِهِمْ قَوْلًا بَلِيغًا؛ آنها هستند که خداوند آنچه را که در دل های آنهاست (از نفاق و عناد) می داند؛ پس از آنان روی بگردان (در فکر مبارزه و جنگ مباش) و آنها را پند ده و به آنها سخنی رسا و مؤثر در جانشان بگویی» (نساء / ۶۳)

در این آیه خداوند به پیامبر اکرم ﷺ خود دستور می دهد که از مجازات منافقان صرف نظر کن (فاعرض عنهم) و پیامبر اکرم همواره با منافقان به خاطر اظهار اسلام کردن تا آنجا که ممکن بود مدارا می کرد، زیرا مامور به ظاهر بود و جز در موارد استثنایی آنها را مجازات نمی کرد، چه اینکه ظاهرا در صفوف مسلمانان بود و ممکن بود مجازات آنها به يك نوع تصفیه حساب شخصی تفسیر شود. (مکارم شیرازی و دیگران، ۱۳۷۴، ۴۴۹: ۳)

پیامبر اکرم ﷺ با آنکه با عقیده باطنی منافقان آگاه بود، برخورد سخا و خشنی نسبت به آنان نداشت و بلکه با گذشت و مدارا و رافت در حق شان برخورد می کرد.

کار بزرگ رهبر کبیر انقلاب اسلامی ابطال باورهای غلط در باب اخلاق فردی حکام بود. در دنیا پذیرفته شده است که کسانی که در رأس اجتماعات قرار می گیرند، اخلاق فردی خاصی داشته باشند، خودرأیی و خودخواهی و امثال اینها، چیزهایی است که مردم دنیا قبول کردند که کسانی که در رأس حکومت ها قرار می گیرند، این اخلاق را داشته باشند. امام ما این باور غلط را عوض کرد و نشان داد که رهبر محبوب و معشوق یک ملت و دیگر مسلمانان عالم، می تواند زندگی زاهدانه ای داشته باشد و به جای کاخ های مجلل، در یک حسینیه از دیدار کنندگان پذیرایی کند و با لباس و زبان و اخلاق انبیا با مردم برخورد کند. (نصری، ۱۳۹۷، ۲۲۱)

در بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی آمده است: این انقلاب از آغاز تا امروز نه بی رحم و خون ریز بوده و نه منفعل و مردد. با صراحت و شجاعت در برابر زورگویان و گردنکشان ایستاده و از مظلومان و مستضعفان دفاع کرده است. این جوانمردی و مروت انقلابی، این صداقت و صراحت و اقتدار، این دامنه عمل جهانی و منطقه ای در کنار مظلومان جهان،

مايه سربلندی ايران و ایرانی است. (بیانیه گام دوم انقلاب ۱۳۹۷/۱۱/۲۲، <https://farsi.khamenei.ir/message-content?id=41673>)

از این رو انقلاب اسلامی ایران آغازی بود بر پایان تمام ایدئولوژی‌های مادی و دنیاگرایی که با حذف معنویت و دین، بشر را در سلطه خود قرار داده بودند. از همین رو، این انقلاب سبب شد دین و معنویت در سطح جهان احیا شود.

### نتیجه‌گیری

با بررسی در آیات و سیره رسول اعظم ﷺ این نکته مشخص شد که آنچه در پیشبرد اهداف اسلام موثر و مهم است برخورد نیکو همراه با مدارا با همه مردم می باشد و این نکته مهم در اخلاق پیامبر اسلام ﷺ بارز است و گویای این مساله است که اصل مدارا به عنوان یکی از اصول اخلاقی اسلامی است که می بایست در شرایط خاص در رفتار دولتمردان و سیاستمداران جوامع اسلامی نسبت به جذب پیروان بیشتر به مذهب و کتب اسلام رعایت شود. همانگونه که این مهم در انقلاب اسلامی نقش بسزایی داشت و در نهادینه ساختن اخلاق و معنویت تاثیر زیادی داشت. اما مهمترین مانع در راه مدارا، اصول اعتقادی و مسایل دینی است که در اصول اعتقادی و بر سر مسایل دین مدارا وجود ندارد، همچنین در جایی که سرزمین اسلامی یا مسلمین مورد تجاوز قرار گیرند، یا حریم قانون الهی شکسته شود، یا حدود الهی نیاز به اجرا داشته باشد، در این موارد با متجاوزین و قانون شکنان، مدارا گناه است. هر یک از مدارا و خشونت که مصادیقش صلح و جنگ است، در شرایطی جواز دارد که مصلحت ایجاب کند، بدون مصلحت و منفعت در جامعه اسلامی هیچیک از دو عنوان جنگ و صلح جواز ندارد.

## فهرست منابع

قرآن کریم قرآن کریم، ترجمه: ناصر مکارم شیرازی، تهران، دفتر مطالعات تاریخ و معارف اسلامی، ۱۳۸۰ ش.

۱. ابن بابویه، محمد بن علی، (۱۴۰۳ ق)، معانی الأخبار، محقق / مصحح: علی اکبر غفاری، قم، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.

۲. ابن هشام، عبدالملک بن هشام، (۱۳۷۵)، سیره ابن هشام، ترجمه هاشم رسولی، تهران، ج ۴، کتابچی.

3. ابو زهره، محمد، (۱۴۲۵)، خاتم النبیین ﷺ، قاهره، ج ۳، دار الفكر العربی.

۴. امینی، ابراهیم، (۱۳۸۶)، پیامبری و پیامبر اسلام ﷺ، قم، بوستان کتاب، چاپ سوم.

۵. بحرانی، هاشم، (۱۴۱۶)، البرهان فی تفسیر القرآن، ج ۳ و ۵، چاپ اول، تهران، انتشارات بنیاد بعثت.

۶. پاینده، ابوالقاسم، (۱۳۶۳)، نهج الفصاحه، تهران: دنیای دانش.

۷. جدید بناب، علی، (۱۳۸۱)، تحلیلی بر عملکرد یهود در عصر نبوی، قم، موسسه آموزش و پرورش امام خمینی رحمته الله علیه.

۸. چراغ چشم، عباس، مجدی نسب، منصوره، (۱۳۸۵)، سیره و کلام پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله، بی جا، چاپ چهارم، انتشارات تعلیم و تربیت اسلامی.

۹. حر عاملی، محمد بن حسن، (۱۴۰۹ ق)، وسائل الشیعة، قم، چاپ اول، ج ۱۵، موسسه آل البيت علیهم السلام.

۱۰. حرانی، ابو محمد ابن شعبه، (۱۳۸۸)، تحف العقول عن آل الرسول، قم، حبل المتین.

11. حسن الهی، منوچهر، (۱۳۸۷)، نگاهی به سیره پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله، قم، چاپ دوم، موسسه بوستان کتاب.

۱۲. حلبی شافعی، ابو الفرج (۱۴۲۷)، السیره الحلبیه (إنسان العیون فی سیره الأملین المأمون)، ج ۱، چاپ دوم، بیروت، دار الکتب العلمیه.
۱۳. حویزی، عبد علی بن جمعه، (۱۴۱۵ ه. ق)، تفسیر نور الثقلین، قم، ج ۲، چاپ چهارم، انتشارات اسماعیلیان.
۱۴. خامنه ای، علی، (۱۳۹۷) بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی خطاب به ملت ایران.
۱۵. خزاعی، علی بن محمد، (۱۴۱۹)، تخریج الدلالات السمعیة، چاپ دوم، بیروت، دار الغرب الإسلامی.
16. خمینی، روح الله، (۱۳۶۸)، صحیفه امام، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی علیه السلام.
۱۷. خمینی، روح الله، (۱۳۸۷)، شرح حدیث جنود عقل و جهل، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی علیه السلام.
۱۸. دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه، (۱۳۶۰)، فصلنامه معارف اسلامی، قم، ج ۷، معارف اسلامی.
19. دلشاد تهرانی، مصطفی، (۱۳۸۵)، سیره ی نبوی، تهران، ج ۲، دریا.
۲۰. دهخدا، علی اکبر (۱۳۵۲)، لغت نامه دهخدا، تهران، چاپ اول، سازمان لغت نامه دهخدا.
21. روشندل، محمد باقر، (۱۳۸۵)، سیری در سیره پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله، تهران، چاپ اول، انتشارات سازمان عقیدتی سیاسی ارتش.
۲۲. سبحان، جعفر، (۱۳۸۸)، فروغ ابدیت، قم، بوستان کتاب.
۲۳. سعیدی، علی، (۱۳۸۵)، صلابت و سهولت در مکتب پیامبر صلی الله علیه و آله، تهران، پژوهشکده ی تحقیقات اسلامی.
۲۴. صدر، محمد رضا، (۱۳۸۳)، راه محمد، قم، انتشارات بوستان کتاب.
25. طارمی، حسن، دشتی، محمد، دشتی، مهدی، (۱۳۸۸)، دایره المعارف جهان

- نویسن اسلام، ج ۱، تهران، کنگره کتاب مرجع (وابسته به موسسه فرهنگی هنری کتاب مرجع)
۲۶. طباطبایی، محمد حسین، (۱۳۷۴)، ترجمه تفسیر المیزان، محمد باقر موسوی همدانی، چاپ پنجم، ج ۱۶، قم، دفتر انتشارات اسلامی جامعه‌ی مدرسین حوزه علمیه قم.
۲۷. طبرسی، فضل بن حسن، (۱۳۶۵)، ترجمه مجمع البیان فی تفسیر القرآن، ج ۱۹ و ۱۰ و ۴، مترجمان، تحقیق: رضا ستوده، تهران، چاپ اول، انتشارات فراهانی.
۲۸. طبرسی، فضل بن حسن، (۱۳۶۵)، مکارم الاخلاق، ترجمه ابراهیم مبر باقری، تهران، ج ۱، ۶، فراهانی.
۲۹. طریحی، فخر الدین بن محمد، (۱۳۷۵)، مجمع البحرين، تهران، چاپ سوم، ج ۲، نشر مرتضوی.
30. فیض کاشانی، محمد بن شاه مرتضی، (۱۴۰۶)، الوافی، چاپ اول، ج ۱۲، اصفهان، مکتبه الإمام أمير المؤمنين علیؑ العامة.
۳۱. قاضی زاده، کاظم، (۱۳۸۵)، مردم سالاری دینی، تهران، چاپ اول، نشر عروج وابسته به موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینیؑ.
۳۲. قاضی عسکر، علی، (۱۳۷۶)، حج و حرمین شریفین در تفسیر نمونه، تهران، انتشارات مشعر.
۳۳. قرائتی، محسن، سیره پیامبر اکرم ﷺ با نگاهی به قرآن کریم، تهران، چاپ چهارم، مرکز فرهنگی درسهای از قرآن.
۳۴. قمی، عباس، (۱۳۷۵)، توتیای دیدگان، ترجمه ی هوشنگ اجاقی، تهران، آفاق.
۳۵. مجلسی، محمد باقر، (بی تا)، بحار الأنوار الجامعة لدرر أخبار الأئمة الأطهار، ج ۱۸ و ۱۶، تهران، انتشارات اسلامیه.
۳۶. محمدی اشتهازدی، محمد، (۱۳۸۳)، آموزه‌های اخلاقی - رفتاری امامان شیعه، قم، بوستان کتاب.
37. مطهری، مرتضی، (۱۳۸۵)، سیری در سیره نبوی، تهران، چاپ سی و نهم،

انتشارات صدرا.

۳۸. مکارم شیرازی و دیگران، ناصر (۱۳۷۴)، تفسیر نمونه، تهران، ج ۱۰ و ۳ و ۲۷، دارالکتب الاسلامیه.

۳۹. ناطقی، محمد تقی، (۱۳۹۲)، محمد خورشید آفرینش، قم، چاپ هفتم، نسیم انتظار.

۴۰. نراقی، احمد، (۱۳۹۱)، معراج السعاده، تهران، ج ۴، انتشارات آدینه سبز.

۴۱. نصرت، امین، (۱۳۸۹)، مخزن العرفان، ج ۴، اصفهان، انتشارات گلبهار.

۴۲. نصری، محسن، (۱۳۹۷)، ایران، دیروز، فردا (تحلیلی بر انقلاب اسلامی ایران)، قم، دفتر نشر معارف.

۴۳. الهامی نیا، علی اصغر، (۱۳۷۶)، اخلاق و تربیت اسلامی، قم، سپاه پاسداران انقلاب اسلامی.

۴۴. یزدی، علی محمد، (۱۳۹۳)، سیره پیامبر ﷺ در برابر مخالفان از زبان قرآن، قم، چاپ اول، پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی وابسته به دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم.